

رابطه دانش اقتصاد با دانش تاریخ در برنامه آموزشی دوره کارشناسی رشته تاریخ

علی‌رضا ملاتی توانی*

چکیده

شکست تخصص‌گرائی افراطی و ظهور خلاءهای بزرگ در مرز دانش‌های همجوار، مطالعات بین‌رشته‌ای را گریزناپذیر ساخته است. تاریخ در زمره آن دسته از رشته‌های دانشگاهی است که از ظرفیت‌های بالای میان‌رشته‌ای با سایر رشته‌های علوم انسانی برخوردار است. از همین رو، می‌توان پیوند عمیقی میان رشته تاریخ با علم اقتصاد از نظر موضوعی، معرفتی و روشی برقرار کرد. تا چند دهه پس از تأسیس رشته تاریخ هیچ درسی با رویکرد علم اقتصاد به درون برنامه‌های آموزشی رشته تاریخ راه نیافت. بنابراین، مساله این است که تعاملات دانش تاریخ با علم اقتصاد در برنامه آموزشی دوره کارشناسی رشته تاریخ از ابتدا تا کنون چگونه نگریسته شده و این تعامل در گذر زمان چگونه تحول یافته و چه عواملی در شکل دادن به آن مؤثر بوده است؟ نگارنده با روش توصیفی - تبیینی می‌کوشد نسبت دانش تاریخ و علم اقتصاد را از حیث کاربست مفاهیم و مباحث خاص علم اقتصاد در سرفصل‌های برنامه آموزشی رشته تاریخ مورد ارزیابی قرار دهد و با سنجش و تحلیل بسامد این مفاهیم، جنبه‌ای از این تعامل را نشان دهد. نتیجه این تحقیق گویای آن است که جایگاه علم اقتصاد در روند برنامه‌ریزی آموزشی رشته تاریخ به ویژه پس از استقلالش از جغرافیا تا امروز در پی هر بازنگری همواره روندی رو به رشد یافته است. هرچند در فضای پس از انقلاب و متأثر از آموزه‌های انقلاب فرهنگی این پیوند

* دانشیار پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران،
mollaiynet@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۱

کاهش یافت اما در آخرین بازنگری که در سال ۱۳۷۵ صورت گرفت حجم درس‌های هم‌پیوند با دانش اقتصاد و کاربرد واژگان و مفاهیم آن افزایش چشمگیری یافت.

کلیدواژه‌ها: رشته تاریخ، علوم اقتصاد، تاریخ اقتصادی، برنامه آموزشی، مطالعه میان‌رشته‌ای

۱. مقدمه

تردیدی نیست که فهم عمیق‌تر لایه‌ها و جنبه‌های گوناگون تاریخ ایران مستلزم بهره‌گیری از نگرش‌ها، رهیافت‌ها و رویکردهای میان‌رشته‌ای است. مطالعات میان‌رشته‌ای فرصت استفاده از تجربه‌ها، روش‌ها و دستاوردهای علوم کمکی را برای شناخت ابعاد چند لایه و هزارتوی تاریخ ایران فراهم می‌آورد. دانش اقتصاد و مطالعات میان‌رشته‌ای حاصل از آن دو میدان تازه‌ای به روی پژوهشگران می‌گشاید تا بتوانند از پوسته ظاهری تاریخ سیاسی به سطوح میانی‌تر و لایه‌های ناشناخته‌تر تاریخ به ویژه سبک و سطح معیشت، درآمدها، اشتغال، صنایع، حرفه‌ها، تولید، مصرف و... رهنمون شوند و سیاست‌های اقتصادی، زندگی اقتصادی، نهادهای اقتصادی، هزینه‌ها، مالیات‌ها، امور مالی و... را بهتر تبیین و فهم کنند تا بتوان به قضاوتی درست‌تر و درکی ژرف‌تر دست یافت.

متأسفانه تاکنون این نوع نگاه‌ها و چنین مطالعاتی در تاریخ ایران رواج نیافته است؛ زیرا نه دانش‌آموختگان و صاحب‌نظران اقتصاد و نه تاریخ به این رهیافت‌ها توجه نکرده‌اند. در نتیجه، بخش عمده‌ای از تاریخ اقتصادی ایران ناشناخته باقی مانده است. درک و فهم این لایه‌ها نیازمند فراهم آوردن بسترهای نظری و تمهیدات عملی و معرفتی است که در تعامل تنگاتنگ صاحب‌نظران و دغدغه‌مندان دو دانش شکل خواهد گرفت. تاکنون نه در برنامه‌ریزی‌های رشته تاریخ و نه در رشته اقتصاد این نوع نگاه‌ها مد نظر نبوده است. در نتیجه، نظام آموزشی ما در تربیت چنین نیروهایی با تخصص‌های میان‌رشته‌ای اقتصاد و تاریخ ناتوان بوده است. بنابراین، باید برای پر کردن این شکاف‌ها و حفره‌های عمیق که در حد فاصل دو علم قرار دارد راهی گشود و با شکل دادن مطالعات میان‌رشته‌ای و فرارشته‌ای و بین‌رشته‌ای حاصل از دو علم اقدام کرد، زیرا بسیاری از مسائل تاریخ اقتصادی ایران هنوز نوشته نشده است و اقدامی برای پرورش دانشجویان به ویژه در دوره‌های ارشد با رویکرد تاریخ اقتصادی صورت نگرفته است تا بتوان از ظرفیت پایان‌نامه‌ها و مقاله‌های دانشجویان در این مسیر بهره گرفت. این امر البته نیازمند مقدمات مفهومی، معرفتی و روشی تازه است.

این مقاله می‌کوشد به ارزیابی تلاش‌هایی بپردازد که تا کنون در قالب برنامه‌های آموزشی رشته تاریخ در پیوند با دانش اقتصاد نمودار گشته است.

نخستین گام در این مسیر این است که تاریخ اقتصادی تعریف شود و تفاوت‌های آن با مطالعات متعارف تاریخی روشن شود. تاریخ اقتصادی، مطالعه‌ی تاثیر مولفه‌ها و ساختارهای اقتصادی بر حیات بشر در طول تاریخ است. بنابراین، در پژوهش‌های تاریخ اقتصادی، معمولاً آن پرسش‌هایی مطرح می‌شوند که از جنس اقتصادی‌اند مانند تقاضای کالا و خدمات، قیمت‌ها، تولیدات، سطح درآمدها، توزیع ثروت، و مانند آن. پرداختن به این مسائل نیازمند آشنایی با روش‌ها، تئوری‌ها و منابع مطالعاتی تاریخ اقتصادی است (Gardiner:1988:31-32). مسائل اقتصادی مربوط به تولید، مبادله و توزیع کالا در تمامی اعصار وجود داشته و اندیشه‌های بشری نیز غالباً متوجه این اعمال حیاتی بوده است، زیرا هیچ اجتماعی نمی‌تواند بدون وجود آن‌ها به حیات خود ادامه دهد. تا زمانی که جوامع بشری با مساله سازماندهی تولید، مبادله و توزیع کالا روبرو نشده بودند، نیازی به علم اقتصاد وجود نداشت، زیرا انسان‌ها یک روش مشترک برای حل این مسائل نداشتند. (تفضلی، ۹۳: ۲) توجه به دانش اقتصاد پس از اکتشافات جغرافیایی و رشد اقتصادی اروپا، در محافل علمی جوامع اروپایی پدیدار شد. بروز عینی این بینش در تجمل‌گرایی دربارها و توجه به مسائل مادی و ملموس در علوم انسانی انجامید تا راهی برای تسلط بر طبیعت پیدا شود. (بحرانی پور، ۹۱)

از اوایل قرن هفدهم در انگلستان و فرانسه آرا و ایده‌های نظام‌مندی درباره اقتصاد به مثابه یک دانش مستقل سربرآورد. این آرا معمولاً بر نقش تجارت و بازرگانی در افزایش ثروت جامعه تاکید داشتند. ملاحظه اهمیت تجارت و بازرگانی در مقابل کشاورزی و همچنین ظهور تولیدات صنعتی، همراه با نظریه تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی میان افراد سبب نگارش نخستین آثار درباره تاریخ نظام‌های اقتصادی و جامعه‌شناسی تاریخی در اواسط قرن هجدهم شد. (لوید، ۷۶: ۷۲-۷۳) همزمان با تبدیل نظام سرمایه‌داری تجاری (نظام سوداگری) به سرمایه‌داری صنعتی در قرن هجدهم، مساله سازماندهی اقتصادی در متن نظام‌های سیاسی پدید آمد و از این رو نیاز به بررسی علمی این مسائل در چارچوب تفکر اقتصادی بیش از پیش نمایان گشت و بالطبع با گسترش مساله سازماندهی، نظریه‌های اقتصادی نیز در کنار آن رو به گسترش نهادند. در این راستا بود که آدام اسمیت، بنیانگذار علم اقتصاد و مؤسس مکتب کلاسیک، در کتاب «ثروت ملل» خود اصول و قوانین

اقتصادی نظام سرمایه‌داری صنعتی را به صورت علمی بیان کرد. (تفضلی: ۲) در واقع؛ دانش اقتصاد در غرب برای اولین بار همزمان با چاپ این کتاب در سال ۱۷۷۶ میلادی به صورت یک علم جداگانه (جدا از مذهب و سیاست) در آمد و روش بررسی علم اقتصاد به صورت یک روش علمی مطرح شد.

آدام اسمیت اقتصاد را علم ثروت دانست. به عقیده وی، اقتصاد علمی بود که در آن چگونگی تولید، مصرف و توزیع ثروت بررسی شود (براون، ۱۳۸۶: ۶۸). پس از او دیوید ریکاردو (۱۷۷۲-۱۸۲۳) هدف اساسی علم اقتصاد را توزیع ثروت دانست و به توزیع، بیشتر از تولید اهمیت داد. (تفضلی: ۱۱) سرانجام، کارل مارکس (۱۸۱۸-۱۸۸۳) ایده‌های اسمیت را به چالش کشید و استدلال کرد که سرشت سرمایه‌داری، نه هماهنگی منافع، بلکه تضاد آشتی‌ناپذیر منافع بین سرمایه و کار است (براون: ۷۷). مارکس رابطه بین کالاها و پول نشان داد که چگونه و چرا به واسطه خاصیت ذاتی ارزش، کالاها و مبادله کالایی باید به تضاد کالاها و پول بینجامد؛ نظریه پول که مارکس بر این پایه بنا کرد، نخستین نظریه جامع پول است (همان: ۱۲۹)

پس از این شخصیت‌ها، اندیشمندی که بیش از همه در این باره تأمل کرد و از نسبت اقتصاد و جامعه و اندیشیدن درباره تاریخ اقتصادی و مفاهیم اقتصادی سخن گفت، ماکس-وبر است. او در کتاب «اقتصاد و جامعه» مفاهیم مهمی در تاریخ اقتصادی وضع کرد که یکی از آن‌ها مساله کنش اقتصادی است. کنش اقتصادی از نگاه او کاربرد مسالمت‌آمیز و عقلانی منابع تحت اختیار یک فرد در جهت نیل به اهداف اقتصادی است که عاملانۀ طراحی شده است. از نگاه او نظام اقتصادی مجموعه مستقلی از کنش‌های اقتصادی است و یک سازمان مجموعه متشکلی از کنش‌های اقتصادی است (وبر، ۱۳۷۴: ۷۹). وبر در این باره از مفاهیمی چون مطلوبیت اقتصادی، جهت‌گیری اقتصادی، تشکیلات اقتصادی، سازمان-های اقتصادی، وسیله تبادل، وسیله پرداخت، پول، بازار، عقلانیت در کنش اقتصادی، محاسبه پولی، محاسبه جنسی و کالائی، اقتصادهای بازار و اقتصادهای برنامه‌ریزی شده، انواع تقسیم کار فنی و اجتماعی، ابزار تولید، کالاهای سرمایه‌ای، تجارت، سود نظام پولی و... سخن گفت و ابعاد گوناگون آن را آشکار ساخت (همان: ۷۹ و ۲۶۰).

پس از تلاش‌های وبر، مکتب تاریخ‌نگاری آنال‌گام‌های بلندتری در مسیر پژوهش‌های تاریخ اقتصادی برداشت. یکی از جدی‌ترین انگیزه‌های آنالیست‌ها برای ورود به این میدان، نارسایی‌های مخربی بود که به اعتقاد آن‌ها از جدایی تاریخ‌نگاری و علوم اجتماعی و علوم

اقتصادی در جوامع معاصر ریشه می‌گرفت (پیران، ۱۳۷۲: دوازده). آنال‌ها نخستین جریان تاریخ‌نگاری بودند که جدائی بین دانش تاریخ، و علوم اقتصادی و اجتماعی و فلسفه را زیان‌بار شمردند. آن‌ها از شاخه‌شاخه‌شدن علوم انسانی نگران بودند. چنان‌که هانری بر یکی از بنیادگزاران این مکتب از تکه‌تکه شدن دانش تاریخ شکوه کرد و خواهان وحدت بخشیدن به شاخه‌های مختلف دانش تاریخ اعم از تاریخ سیاسی، تاریخ اقتصادی، تاریخ اجتماعی، تاریخ علم، تاریخ هنر و... بود و قصد داشت از به‌هم پیوستن این دانش‌ها، رشته‌های اقتصاد، جامعه‌شناسی و زیبایی‌شناسی را با تاریخ آشتی دهد و این رشته‌های همسایه را به دیدار هم ترغیب کند (همان: شانزده و هفده).

آنالیست‌ها بر این باور بودند که در پنجاه سال گذشته رشته‌های همجوار تاریخ مانند جغرافیا، اقتصاد، سیاست، روان‌شناسی، زبان‌شناسی جامعه‌شناسی رشد شتابانی داشته‌اند اما دانش تاریخ عقب مانده است و از نظر پیشش، روش و موضوع تغییر قابل ملاحظه‌ای نیافته و اسیر حصارهای تنگ گذشته است لذا باید حصارهای تنگ‌نظرانه گذشته را فرو ریخت و گشاده‌دستانه از دستاوردهای نظری، عملی، معرفتی و دانشی و روشی علوم دیگر برای تحرک و تحول دانش تاریخ بهره برد (همان: سی و پنج).

لوسین فور از دیگر بنیادگزاران مکتب آنال که با دانش تاریخ، جغرافیا، اقتصاد، روان‌شناسی و زبان‌شناسی آشنائی وسیعی داشت، با شرکت در مباحث متفکران این رشته‌ها خواهان دست یافتن به سنتزی میان آن‌ها بود. مارک بلوخ هم خواهان مقابله با تکه‌تکه کردن تاریخ زیر عنوان تخصص‌گرایی و یا ایجاد دیوار آهنین گرداگرد رشته تاریخ بود و از ضرورت فرورفتن آن‌ها سخن گفت. او خواهان گسترش و عمق بخشیدن به تاریخ‌نگاری از رهگذر همکاری نزدیک مورخان با اقتصاددانان، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، جمعیت‌شناسان، قوم‌شناسان، زبان‌شناسان، مذهب‌شناسان و انواع گونه‌های دیگر تخصص در علوم انسانی بود (همان: بیست و شش).

آنالیست‌ها در این کار توانستند هم سنتز مورد نظر خود را پدید آورند و هم هویت و استقلال دانش تاریخ را حفظ و تقویت کنند. به اعتقاد آنالیست‌ها در حوزه تاریخ اقتصادی می‌توان از ده‌ها واژه استفاده کرد. اگر موضوع مطالعه درباره اقتصادهای اولیه باشد باید از مفهوم حیات مادی استفاده کرد که ناظر بر اقتصاد کشاورزی، شیوه تأمین معیشت، غلات، برنج، ذرت، اهلی کردن حیوانات، شیوه‌های آشپزی، عملکردهای اقتصادی انسان‌های اولیه و مسائلی چون قوت روزانه، محصولات کشاورزی، تعامل با حیوانات اهلی، تجمل،

خوراک، داروها، مخدرها، خانه، ابزارها، پوشاک، حمل و نقل، قحطی، تورم، گرسنگی، جمعیت، امراض، کوچ نشینی، ریسندگی، آسیاب‌های بادی و... است، بنابراین حیات مادی ناظر بر روش‌ها و راه‌حل‌های انسان برای غلبه بر مشکلات معیشتی است. اما اگر به سطح بالاتر و ممتازتری از زندگی روزمره بپردازیم باید از مفهوم حیات اقتصادی استفاده کنیم که در پیوند با تجارت، اشتغال، تولید، تجارت، حمل و نقل و ساختارهای متمایز اقتصادی مبادلات اقتصادی، نهادهای اقتصادی رابطه کشورهای فقیر و غنی و... قرار دارد(برودل، ۱۳۷۲: ۸-۱۰).

مورخان آنال با ترکیب روش شناسی ساختارگرا، اشکال پیچیده و فلسفی نظریه اجتماعی و روش‌های تجربی و آماری به بررسی و ارزیابی تاریخ درازمدت ساختارها و چرخه‌های اجتماعی-اقتصادی کلان پرداختند. رقیب عمده رویکرد آنال در فرانسه احیای مارکسیسم در سال‌های دهه ۱۹۶۰ بود که به صورت پدیده‌ای فراگیر درآمده بود(لوید: ۸۵).

به نظر می‌رسد که تحقیقات تاریخ اقتصادی درباره ایران نیز تاکنون چند راه را پیموده است: اول، روشی که مورخین طیف‌های گوناگون مارکسیسم از قبیل بارتولد، بلتینسکی، پتروشفسکی (با کتاب کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول)، آبراهامیان، مرتضی راوندی (مؤلف کتاب تاریخ اجتماعی ایران) و فرهاد نعمانی (مؤلف کتاب تکامل فتودالیسم در ایران) طی آن با اقتباس نسبی از اندیشه‌های مارکس پیرامون مبارزات طبقاتی، فتودالیسم، شیوه تولید آسیایی، دترمینیسم و ماتریالیسم تاریخی به نظریه‌سازی و تحلیل تاریخ اقتصادی و اجتماعی ایران پرداختند و برخی از اعضای حزب توده مانند احسان طبری آن راه را ادامه دادند.

دوم، پژوهشگرانی که به اقتصاد سیاسی توجه ویژه‌ای داشته‌اند، مانند احمد اشرف و محمدعلی همایون کاتوزیان، پژوهشگرانی که مناسبات ارضی و تحقیقات میدانی و جامعه‌شناختی در باب اقتصاد سنتی ایران در قبل یا در آستانه عهد سرمایه‌داری پرداخته با گردآوری اسنادی مملو از جزئیات محلی و روایات شفاهی، به طور عمده وجه تولید کشتا و رزی در ایران را توجه کرده‌اند مانند خانم لمبتون و جواد صفی‌نژاد، اریک هوگلند، چارلز عیسوی، عباس ولی و مانند آن‌ها.

از پژوهشگران که به طور خاص به اقتصاد ایران در دوره معاصر پرداخته‌اند می‌توان از دکتر حسین عظیمی، ابراهیم رزاقی، احمد سیف، خسرو شاکری، علی اصغر سعیدی و

فریدون شیرین کام نام برد. به خصوص شیرین کام که به تاریخ کنشگران اقتصادی ایران و نیز تاریخ برخی بنگاه‌های تولیدی پرداخته و پژوهش‌های عالمانه‌ای نگاشته است. با توجه به آنچه گفته شد، حال مساله این است که در روند برنامه‌ریزی آموزشی رشته تاریخ رابطه و تعامل دانش تاریخ با دانش اقتصاد چگونه نگریسته شده است؟ و این نگرش در متن برنامه آموزشی رشته تاریخ چگونه منعکس شده و این پیوند از بدو تأسیس رشته تاریخ تا کنون چه فرایندی را طی کرده است؟ آیا این پیوند پاسخگوی نیازهای امروزی دانش‌آموختگان تاریخ است؟ چگونه می‌توان این پیوند را افزایش و اعتلا داد؟

۲. از دانشسرای عالی تا انقلاب فرهنگی

آموزش عالی در رشته تاریخ به عنوان یک رشته دانشگاهی با دارالمعلمین مرکزی در ۱۲۹۸ آغاز شد. دوره‌ی تحصیل در دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی سه ساله بود که به صورت سالی - واحدی (ارائه درس‌ها در برنامه هفتگی و سالانه) تعریف شده بود و دانشجویان پس از پذیرفته شدن در امتحانات به اخذ درجه‌ی کارشناسی نائل می‌شدند. (راهنمای دانشگاه تهران، ۱۳۲۸: ۳۶-۳۷) دانشسرای عالی از دو قسمت علمی و ادبی و یک شعبه علوم تربیتی تشکیل می‌شد که بعدها دانشکده‌های علوم و ادبیات دانشگاه تهران را شکل دادند. کسانی که در یکی از رشته‌های این دو دانشکده فارغ‌التحصیل می‌شدند پس از اخذ یک شهادت‌نامه از شعبه‌ی علوم تربیتی و عمل به فن تدریس، دانش‌آموخته دانشسرای عالی شناخته می‌شدند. (راهنمای دانشگاه تهران ۱۳۱۵-۱۳۱۴، ۱۳۱۵: ۱۵) درس‌های مرتبط با دانش اقتصاد در برنامه درسی رشته‌ی «تاریخ و جغرافیا» در دانشسرای عالی و دانشگاه تهران تنها یک درس با عنوان «جغرافیای اقتصادی» بود که در سال تحصیلی ۱۳۱۷، به صورت ۱ ساعت در هفته در طی یک سال ارائه می‌شد (راهنمای دانشگاه تهران، بخش پنجم، دانشکده‌های علوم و ادبیات و دانشسرای عالی، ۱۳۱۸: ۲۳-۲۴) که در سال تحصیلی ۱۳۲۷-۱۳۲۸ و ۱۳۳۱ این درس به سه ساعت در هفته افزایش یافت (راهنمای دانشگاه تهران، ۱۳۲۸: ۳۹؛ راهنمای دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی، ۱۳۳۱: ۳۲).

در سال ۱۳۴۲ این برنامه مورد بازنگری قرار گرفت که براساس آن رشته تاریخ از جغرافیا استقلال یافت. به موجب این برنامه دانشجویان دوره کارشناسی تاریخ می‌بایست ۱۴۰ واحد شامل: الف) ۴۰ واحد دروس عمومی سال اول دانشکده ادبیات؛ ب) ۶۰ واحد دروس اختصاصی؛ ج) ۴۰ واحد از مواد درسی سایر گروه‌های دانشکده ادبیات؛ د) ۲۸

واحد دروس اختیاری درجه یک و ۱۲ واحد دروس اختیاری درجه دوم بگذرانند. (راهنمای دانشگاه تهران، ۱۳۴۵: ۱۰۰-۱۰۱) به طور کلی در این برنامه درس‌های زیر در پیوند با دانش اقتصاد وجود داشت (راهنمای دانشگاه تهران، ۱۳۴۴: ۹۸-۱۰۴):

نام درس	نوع درس	زمان ارائه	تعداد واحد
فلسفه: علوم انسانی و اجتماعی	عمومی	نیم‌سال اول	۵
فلسفه: علوم انسانی و اجتماعی	عمومی	نیم‌سال دوم	۵
تاریخ عقاید اقتصادی	اجباری	سال دوم تا چهارم	۲
سکه‌شناسی	اختیاری درجه دوم	سال دوم تا چهارم	۲
تطور سازمان‌های اجتماعی ایران	اختیاری درجه دوم	سال دوم تا چهارم	۴
تطور سازمان‌های کنونی ایران	اختیاری درجه دوم	سال دوم تا چهارم	۴
تاریخ علوم	اختیاری درجه دوم	سال دوم تا چهارم	۳

درس «تاریخ علوم» به روش‌های تحقیق، موضوع‌ها و تقسیم‌بندی علوم مخصوصاً علوم انسانی و نظریه‌های مهم علمی و فلسفی و اجتماعی و سهم دانشمندان ایرانی در این حوزه-ها می‌پرداخت. بنابراین، در این درس آنچه با دانش اقتصاد رابطه پیدا می‌کرد عبارت بود از بحث درباره طبقه‌بندی علوم از نگاه فیلسوفان یونان و حکیمان مسلمان، فایده و ضرورت تقسیم‌بندی علوم به ویژه از جهت روش‌های تحقیق. اما متأسفانه اشاره‌ای بسیار اندکی به علم اقتصاد داشت (راهنمای دانشکده ادبیات: سال تحصیلی ۱۳۴۷: ۷۶-۷۸). طبیعی است که این درس نمی‌توانست ارتباط استواری بین دانش تاریخ و اقتصاد برقرار سازد.

بنابراین، بار اصلی پیوند دانش اقتصاد و تاریخ در این برنامه در درجه اول بر دوش درس‌های تاریخ عقاید اقتصادی و در مراحل بعد بر دوش درس‌های سکه‌شناسی و سازمان‌های اجتماعی ایران افتاده بود که البته نشانگر هوشمندی این برنامه‌ریزان بود. زیرا تاریخ عقاید اقتصادی بی‌تردید مهمترین گام در راه نزدیک ساختن دانش اقتصاد و تاریخ بود. سکه‌شناسی هرچند پیوند مستقیمی نداشت اما می‌توانست نظام‌های مالی و ضرب سکه را روشن سازد، زیرا پول بر اساس ۴ کارکرد آن تعریف می‌شود: وسیله مبادله؛ معیار سنجش ارزش؛ ذخیره ارزش و وسیله پرداخت تعهدات. با این همه دو کارکرد آن اصلی آن یعنی وسیله مبادله و معیار سنجش ارزش، بیشتر کارکردی تاریخی داشت و چون واسطه مبادله بود پول شمرده می‌شد (سعیدی، ۱۳۸۵: ۵۳ و ۵۴).

نظام پولی و بانکی به دلیل نقش تعیین‌کننده پول در اقتصاد و اهمیت سازمان‌های بانکی در اداره پول، از اهرم‌های اساسی دخالت دولت در امور اقتصادی است. بیشترین بخش

تولید، توزیع و مصرف جامعه در گرو جریان پول است. (رزاقی، ۱۳۷۶: ۱۰۲). در جوامع اولیه ابتدا پول شکل کالایی داشت، یعنی کالایی خاص را به عنوان پول در نظر می گرفتند. با مشکلاتی که در جهت بهره‌گیری از پول‌های کالایی به وجود آمد و نیز با گسترش مبادلات، فلزات قیمتی (مخصوصاً طلا و نقره) به دلیل ویژگی‌های منحصر به فردشان از جمله قابلیت تقسیم‌پذیری، فساد ناپذیری، ارزش زیاد در حجم و وزن کم، کمیابی و داشتن ارزش ذاتی، به عنوان مناسب‌ترین وسیله برای ایفای نقش پول پذیرفته شدند (جعفرزاده؛ ۱۳۹۲: ۶ و ۷).

نظام پولی در ایران نیز بر اساس نظام ۳ فلزی طلا (دینار)، نقره (درهم) و سکه‌های مسی (فلس) استوار بود. این امر می‌طلبد که دانشجویان تاریخ با این نوع واقعیت‌ها و کارکردها از جمله با نظام سکه و بعدها سایر اوراق مالی مانند برات، سفته و چک آشنا شوند تا فهم بهتری از واقعیت‌های حیات مادی و اقتصادی پیدا کنند.

سکه‌شناسی از جمله علمی است که می‌تواند دانشمندان را در بازشناسی رویدادهای تاریخی یاری رساند و جنبه‌های مختلفی از وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و هنری یک جامعه را در مقاطع مختلف تاریخی از جمله برخی از عادات و آداب و خط و زبان و هنر و مذهب و تمدن و اوضاع اجتماعی و سیاسی و اوج و افول اقتصادی و فرهنگی جوامع در طول تاریخ پی برد. از آن جا که هر سکه در زمان خاصی ضرب و توزیع شده به عنوان یک منبع شناخت تاریخی هم می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، زیرا امکان تحریف و قلب حقایق تاریخی در آن کمتر میسر است (ملک زاده بیانی، ۱۳۷۰: ۴).

همچنین دانش سکه‌شناسی به عنوان یکی از علوم میان رشته‌ای نقش مهمی در بازشناسی تاریخ و فرهنگ ملت‌ها دارد. داده‌هایی که از نقش پشت و روی سکه‌ها و نوشته‌های آن‌ها و نیز جنس و عیار و مکان ضرب آن‌ها به دست می‌آید، گواه روشن و ارزشمندی در شناسایی فرهنگ و تمدن هر سرزمینی است. مضامین و شعارهای نگاشته شده بر رو و پشت سکه‌ها بیانگر جهان بینی و باورهای دینی، اخلاقی و سیاسی جامعه‌ای است که آن سکه‌ها در آنجا رواج داشته است (جعفری دهقی، ۱۳۹۱: ۲۰ و ۲۱).

اگر از درس سکه‌شناسی بگذریم، در برنامه تحصیلی در دوره کارشناسی ارشد تنها دو درس در پیوند با اقتصاد وجود داشت: نخست، **تاریخ علوم** که به عنوان درس اختیاری در دو دوره ارشد و دکتری تعریف شده بود و دوم، درس «**تاریخ عقاید سیاسی و اقتصادی**» که هم در نیم سال اول و هم در نیم سال دوم دوره ارشد جمعاً به ارزش ۴ واحد ارائه می-

شد(راهنمای دانشکده ادبیات، ۱۳۴۷: ۳۴۵-۳۴۶). در برنامه دوره دکتری تاریخ هیچ درسی در پیوند با علم اقتصاد وجود نداشت(راهنمای دانشکده ادبیات، ۱۳۴۷: ۳۴۷).

۳. برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی تاریخ پس از انقلاب فرهنگی

براساس برنامه مصوب ستاد انقلاب فرهنگی در ۶۳/۱۱/۱۸ طول دوره کارشناسی آزاد و دبیری حداقل ۴ سال و حداکثر ۶ سال تحصیلی تعیین شد و شکل نظام تحصیلی به صورت ترمی - واحدی و در دو نیمسال تعریف شده بود. دانشجویان با گذراندن ۱۶۱ واحد دروس عمومی و پایه و الزامی و تخصصی می‌توانستند فارغ‌التحصیل (کارشناسی تاریخ) شناخته شوند. در این برنامه درس‌های زیر در پیوند با دانش اقتصاد وجود داشت:

تعداد واحد	نوع درس	نام درس
۲	پایه	تاریخ عقاید اقتصادی
۲	اصلی	تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی غرب (در سده های ۱۹ و ۲۰ میلادی)
۲	اختیاری	رشد سرمایه داری در غرب و گسترش امپریالیزم
۲	اختیاری	تحولات سیاسی و اقتصادی جهان پس از جنگ جهانی دوم
۲	اختیاری	تاریخ استعمار غرب
۲	اختیاری	روابط سیاسی و اقتصادی ایران با دول دیگر با دوران صفوی
۲	اختیاری	مسئله نفت در خاورمیانه

با آن‌که دانشجویان رشته تاریخ اعم از آزاد و دبیری می‌توانستند ۳۰ واحد دروس تخصصی خود را با راهنمایی هسته آموزشی گروه تاریخ از دروس گروه‌های مختلف آموزشی جامعه‌شناسی، جغرافیا، علوم سیاسی، باستان‌شناسی و ادبیات فارسی انتخاب کنند اما این امکان فراهم نشده بود که دانشجویان بتوانند از رشته اقتصاد درس‌های خود را انتخاب کنند. به طور کلی، در این برنامه از مفاهیم اقتصادی اندکی استفاده شده بود.

در بررسی علت این امر می‌توان گفت، چون این برنامه در فضای پر التهاب سال‌های پس از انقلاب نوشته شد و جهان‌بینی انقلاب اسلامی تا حد زیادی بر مسائل ارزشی، معنوی و مذهبی تأکید داشت توجه به مسائل معیشتی و مادی و حتی دانش اقتصاد در حاشیه قرار گرفت. به همین خاطر آن دسته از درس‌هایی که به نحوی می‌توانستند با رویکرد اقتصادی در برنامه جای بگیرند نیز از رویکرد ایدئولوژیک انقلاب مصون نماندند. گاهی به درس‌های اقتصادی رشته تاریخ از جمله درس‌هایی چون *استعمار و رشد*

سرمایه‌داری، تحول اقتصادی غرب، امپریالیسم، مساله نفت و.. نشانگر همین رهیافت‌ها است که از متن ایدئولوژی انقلاب اسلامی برمی‌آید.

دوازده سال پس از اجرای این برنامه، براساس ابلاغیه مصوب سیصد و سی و سومین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی مورخ: ۱۳۷۵/۱۰/۲۳، دومین برنامه آموزشی دوره کارشناسی تاریخ (آزاد و دبیری) پس از انقلاب اسلامی به اجرا درآمد. به موجب این برنامه دانشجویان کارشناسی آزاد با گذراندن ۱۳۵ واحد و دبیری با گذراندن ۱۳۴ واحد مرکب از دروس عمومی، پایه، الزامی و اختیاری می‌توانستند فارغ التحصیل (کارشناسی تاریخ) شناخته شوند. در دروس عمومی و پایه این برنامه، هیچ درسی در پیوند با دانش اقتصاد وجود نداشت، اما تنها در ابتدای درس‌های الزامی و اصلی تاریخ ایران و اسلام، عبارت **تاریخ تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی** افزوده شد که اگر آن را نشانه توجه به دانش اقتصاد بپنداریم مهمترین درس‌های موجود با رویکرد اقتصادی در این برنامه به شرح زیر است (شورای عالی برنامه ریزی، برنامه درسی رشته تاریخ: ۱۳۷۵)

تعداد واحد	نوع درس	نام درس
۲	اصلی	تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران از ورود اسلام تا پایان حکومت علویان طبرستان (فتوحات و ورود اسلام به ایران، ایران در قرون اول، طاهریان، صفاریان، علویان)
۲	اصلی	تاریخ تحولات سیاسی... ایران در دوره سامانیان، دیلمیان، غزنویان
۲	اصلی	تاریخ تحولات سیاسی... ایران در دوره سلجوقیان
۲	اصلی	تاریخ تحولات سیاسی... ایران در دوره غوریان و خوارزمشاهیان
۲	اصلی	تاریخ تحولات سیاسی... ایران در دوره حمله مغول و ایلخانان
۲	اصلی	تاریخ تحولات سیاسی... ایران از زوال ایلخانان تا آغاز حکومت صفویان
۲	اصلی	تاریخ تحولات سیاسی... در دوره صفویان
۲	اصلی	تاریخ تحولات سیاسی... ایران در دوره افشاریان و زندیان
۲	اصلی	تاریخ تحولات سیاسی... ایران از آغاز دوره قاجاریه تا انقلاب مشروطیت
۲	اصلی	انقلاب مشروطیت و تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران تا
۲	اصلی	انقراض حکومت قاجاریه
۲	اصلی	تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران از انقراض قاجاریه تا
۲	اصلی	کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲
۲	اصلی	تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام از سال چهل
۲	اصلی	هجری تا سال ۲۲۷ هـ ق
۲	اصلی	تاریخ تحولات سیاسی... جهان اسلام از سال ۲۲۷ هـ ق تا سقوط بغداد
۲	اختیاری	تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام از
۲	اختیاری	قرن هفتم تا قرن دهم هجری
۲	اختیاری	مبانی علم اقتصاد
۲	اختیاری	تاریخ استعمار غرب و رشد سرمایه داری
۲	اختیاری	اقتصاد سیاسی
۲	اختیاری	ریشه های تاریخی توسعه نیافتگی در ایران
۲	اختیاری	تاریخ اندیشه های اقتصادی

در قیاس با برنامه‌های پیشین یک عقب‌گرد مهم رخ داد؛ زیرا درس‌های اصلی مرتبط با دانش اقتصاد حذف و یا به حوزه درس‌های اختیاری رانده شدند و در مجموع، توجه به علم اقتصاد جنبه‌ی صوری گرفت؛ زیرا عمده عنوان‌های اقتصادی به کار رفته در سرفصل درس - های رشته تاریخ عاریتی، ضعیف، غیر تخصصی و حاشیه‌ای بودند و در منطق علم اقتصاد از جایگاه شایسته‌ای برخوردار نبودند. به ویژه در آخرین بازنگری عنوان‌های «تاریخ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی» در کنار تحولات اقتصادی بسیار بی‌مسما، نمایشی و بی‌مصرف شدند که تنها باعث طولانی شدن عنوان درس‌ها بودند. بعلاوه، این تحولات تنها به درس‌های حوزه تاریخ ایران پس از اسلام و یا تاریخ اسلام اختصاص داشت و تاریخ

اقتصادی غرب یا نگاه بین‌رشته‌ای به تحولات اقتصادی غرب و به طور کلی همه درس‌های اصلی و مهم مرتبط با اقتصاد و تاریخ از جمله «اقتصاد سیاسی»، «مبانی علم اقتصاد»، «تاریخ اندیشه‌های اقتصادی»، «ریشه‌های تاریخی توسعه‌نیافتگی» در زمره درس‌های اختیاری قرار گرفتند که معمولاً ارائه نمی‌شوند یا کمتر ارائه می‌شوند. سایر درس‌های اقتصادی نیز عمدتاً بازمانده از دوره انقلاب فرهنگی بودند که رویکردی ایدئولوژیک داشتند. بدین ترتیب، عملاً برنامه‌های آموزشی رشته تاریخ از دانش اقتصاد بی‌بهره مانده است و این روند نشان می‌دهد دو دانش تاریخ و اقتصاد نتوانسته‌اند در برنامه آموزشی رشته تاریخ با یکدیگر گفت‌وگو و پیوندی دو جانبه داشته باشند.

۴. ارزیابی نهائی

متأسفانه سیر برنامه‌ریزی‌های آموزشی در دانش تاریخ نشانگر شکاف معنادار بین دو دانش اقتصاد و تاریخ است. دوری این دو رشته و قرار گرفتن آن‌ها در دو دانشکده متفاوت و نوع نگاه متفاوتشان با مسائل این معضل را عمیق و ریشه‌دار ساخته و به استثنای موارد معدودی، تاکنون پیوند معرفتی، موضوعی و مبتنی بر گفت‌وگوی دو دانش در ایران شکل نگرفته است. دانش اقتصاد تمایل زیادی به سوی ریاضی یافته و از مسائل اجتماعی و علوم انسانی متعارف فاصله گرفته و در دانش تاریخ هم موضوعات اقتصادی به حاشیه رفته و چندان به حوزه مطالعات مورخان تبدیل نشده است؛ زیرا نه مورخان از توان و تخصص اقتصادی کافی برای ورود به این عرصه برخوردار بوده‌اند و نه اقتصاددانان از دانش تاریخی لازم. بنابراین، حوزه تاریخ اقتصادی بدون متولی باقی مانده و تاکنون چندان که باید مورد توجه نبوده است. به همین خاطر امروز نه مورخ اقتصادی داریم و نه با این روش و برنامه‌ها می‌توانیم تربیت کنیم.

با توجه به مسائل و مشکلاتی که هر دو علم در پدیداری و حل آن مدخلیت دارند، مورخان و اقتصاددانان نمی‌توانند در سایه تفاهم و تعامل علمی دست همکاری به سوی یکدیگر دراز کنند. به همین خاطر، تاکنون ظرفیت بزرگ تاریخ اقتصادی دست نخورده مانده و به فعلیت درنیامده است. به استثنای کارهای پراکنده‌ای که جمالزاده، چارلز عیسوی، ویلم فلور، کاتوزیان، ولی، سعیدی، شیرین کام و دیگران و کارهایی که در حوزه تاریخ بانک شاهنشاهی و بانک استقراضی و برخی از نهادهای مالی و کنشگران اقتصادی ایران انجام شده است نتوانسته‌ایم دانش بومی در این حوزه تولید کنیم. پیامد طبیعی آن این است که در

رشته تاریخ تعداد اندکی از پایان‌نامه‌ها در حوزه مسائل اقتصادی و در دانشکده اقتصاد نیز کارهای اندکی با رویکرد و روش تاریخی تدوین می‌شود. در نتیجه، فاصله دو دانش اقتصاد و تاریخ همچنان به صورت نهادی افزایش می‌یابد و هرگز شکاف‌ها و خلاءهای وسیع موجود میان آن‌ها پر نمی‌شود.

با پرهیزی که اقتصاددانان و اقتصادپژوهان در مسائل تاریخی دارند و با پرهیزی که مورخان و تاریخ‌پژوهان از ورود به مسائل اقتصادی دارند، پویندگان مطالعات میان‌رشته‌ای در این دو حوزه سرگردان باقی می‌مانند و هرگز از نظر موضوعی، روشی و معرفتی به همدیگر نزدیک نمی‌شوند و همکاری‌های علمی و تخصصی مشترک، دوره‌های آموزشی و پژوهشی مشترک، نهادهای علمی مشترک و... شکل نمی‌گیرد. در نتیجه، ما همچنان مصرف‌کنندگان دانش غربی خواهیم ماند.

البته خطاست اگر همه این کاستی‌ها را به دانشگاه و نظام آموزشی منتسب کنیم، زیرا این مساله ابعاد پیچیده و چند لایه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دارد. اما انکارکردنی نیست که تاکنون کسانی که به قلمرو پژوهش‌های تاریخ اقتصادی وارد شده‌اند عمدتاً دانش-آموختگان اقتصاد بوده‌اند. این بدان معناست که اگر دانشجویان رشته تاریخ از رشته‌های علوم تجربی و ریاضی پذیرفته شوند می‌توان با آموزش واحدهای اقتصاد خرد و کلان، اقتصاد ریاضی، آمار، پول، اقتصادسنجی، مالیه، اقتصاد عمومی، بانکداری، بیمه و... به این دانشجویان بر بخش مهمی از این مشکل غلبه کرد.

افزون بر دانشگاه‌ها و نهادهای آموزشی، با نگرفتن تاریخ نهادها و بنگاه‌های اقتصادی به کارکرد نهادهای اقتصادی و روان‌شناسی جوامع استبداد زده‌ای چون ایران برمی‌گردد که مانع از شکل‌گیری و نهادینه شدن برخی از سنت‌ها و رفتارهای اجتماعی و علمی می‌شود. در حالی که یکی از کارهای پر رونق پژوهش تاریخی در کشورهای پیشرفته نوشتن تاریخ نهادها و بنگاه‌های اقتصادی، مراکز تولیدی، کارخانه‌ها، صنایع، مراکز مالی و پولی، شرکت‌ها و موسسات اقتصادی و... است، در کشور ما این سنت نه سابقه درخشانی دارد و نه می‌تواند به آسانی شکل بگیرد.

با این اقدام هم تجربه بنیان‌گزاران و کارگزاران و گردانندگان و مدیران این نهادها به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود و هم موجب شکل‌گیری دانش میان‌رشته‌ای تاریخ و اقتصاد می‌گردد و هم سطوح و لایه‌های پنهان و ناشناخته تاریخ ایران مورد مطالعه قرار می‌گیرد و افق تازه‌ای به سوی پژوهش‌های علوم انسانی گشوده می‌شود. این امر اکنون یک سنت

ریشه‌دار در تاریخ اروپاست که هم مورخان و هم اقتصاددانان و هم این نهادها و بنگاه‌های اقتصادی به اهمیت آن پی برده‌اند و مجدانه در راه بسط و توسعه آن می‌کوشند. اما در ایران نگاه‌های امنیتی به این گونه پژوهش‌ها موجب شده است، کارگزاران و مدیران بنگاه‌های اقتصادی پژوهشگران این عرصه را به مثابه مأموران مالیاتی دولت بنگرند که قصد دارند از مسائل پنهان مالی و یا اسرار آن نهادها سردرآورند. به همین خاطر از هرگونه همکاری طفره می‌روند. بنابراین، هرگونه پژوهش در این عرصه تا تغییر این نوع نگاه‌ها منتفی است.

در نتیجه، هیچ‌گاه این تجربه‌های اقتصادی انباشته نمی‌شود و هیچ‌گونه معرفت علمی در این عرصه پدید نمی‌آید و بخش مهمی از حیات اقتصادی کشور همچنان ناگفته می‌ماند و مهمتر از آن هیچ پژوهشگر متخصصی با رویکرد میان‌رشته‌ای تربیت نمی‌شود. اما در تاریخ اروپا وضعیت به گونه‌ای دیگر است؛ زیرا خود صاحبان و مدیران این نهادها و بنگاه‌های اقتصادی به سراغ پژوهشگران مختلف از جمله مورخان اقتصادی می‌روند و با دراختیار نهادن اسناد و انجام مصاحبه‌ها فراوان در روند تاریخ‌نگاری این نهادها گام برمی‌دارند و تسهیل‌گر کار مورخان اقتصادی‌اند و هم به توسعه این گونه پژوهش‌ها و تخصص‌ها یاری می‌رسانند و این تجربه را در اختیار کاربران کشور خود قرار می‌دهند.

۵. تحلیل داده‌های حاصل از برنامه‌های آموزشی

جدول زیر از زاویه‌های گوناگون پیوند دانش تاریخ با دانش اقتصاد را در برنامه‌های مختلف رشته تاریخ در دانشگاه‌های ایران از آغاز تا کنون نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: درس‌های مرتبط با دانش اقتصاد در دوره کارشناسی تاریخ

نام رشته	سال‌های اجرا	نظام آموزشی	دوره‌ی تحصیل	نهاد بازننگری کننده	تعداد واحدها	گرایش اقتصاد	درس‌های مرتبط با دانش اجتماعی
تاریخ و جغرافیا	۱۲۹۸ تا ۱۳۴۲	سالی واحدی	سه ساله	وزارت علوم	-	-	جغرافیای اقتصادی
تاریخ	۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲	ترمی واحدی	چهار ساله	وزارت علوم	۱۴۰	-	۱. فلسفه علوم انسانی و اجتماعی، ۲. تاریخ عقاید اقتصادی ۳. سکه‌شناسی، ۴. تاریخ علوم، ۵. تطور سازمان‌های اجتماعی ایران، ۶. تطور سازمان‌های کنونی

ایران، ۷. نفوذ تمدن غربی.							
۱. فلسفه علوم انسانی و اجتماعی، ۲. تاریخ عقاید اقتصادی ۳. سکه‌شناسی، ۴. تاریخ علوم، ۵. تطور سازمان‌های اجتماعی ایران، ۶. تطور سازمان‌های کنونی ایران، ۷. نفوذ تمدن غربی.	-	۱۴۰	وزارت علوم	چهار ساله	ترمی واحدی	۱۳۵۲ تا ۱۳۶۳	تاریخ
۱. تاریخ عقاید اقتصادی، ۲. تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی غرب (در سده های ۱۹ و ۲۰ میلادی)؛ ۳. رشد سرمایه‌داری در غرب و گسترش امپریالیسم، ۴. تحولات سیاسی و اقتصادی جهان پس از جنگ جهانی دوم، ۵. تاریخ استعمار غرب، ۶. روابط سیاسی اقتصادی ایران با دول دیگر در دوران صفویه.	-	۱۶۱	ستاد انقلاب فرهنگی	چهار ساله	ترمی واحدی	۱۳۶۳ تا ۱۳۷۵	تاریخ
۱. تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران از ورود اسلام تا پایان حکومت علویان طبرستان (فتوحات و ورود اسلام به ایران، ایران در قرون اول، طاهریان، صفاریان، علویان)؛ ۲. تاریخ تحولات سیاسی... ایران در دوره سامانیان، دیلمیان، غزنویان؛ ۳. تاریخ تحولات سیاسی... ایران در دوره سلجوقیان؛ ۴. تاریخ تحولات سیاسی... ایران در دوره غوریان و خوارزمشاهیان؛ ۵. تاریخ تحولات سیاسی... ایران در دوره حمله مغول و ایلخانان؛ ۶. تاریخ تحولات سیاسی... ایران از زوال ایلخانان تا آغاز حکومت صفویان؛ ۷. تاریخ تحولات سیاسی... در دوره صفویان؛ ۸. تاریخ تحولات سیاسی... ایران در دوره افشاریان و زندیان؛ ۹. تاریخ تحولات سیاسی... ایران از آغاز دوره قاجاریه تا انقلاب	-	۱۳۵	شورای برنامه‌ریزی	چهار ساله	ترمی واحدی	۱۳۷۵ تاکنون	تاریخ

مشروطیت؛ ۱۰. انقلاب مشروطیت و تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران تا انقراض حکومت قاجاریه؛ ۱۱. تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران از انقراض قاجاریه تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲؛ ۱۲. تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام از سال چهل هجری تا سال ۲۲۷ هـ ق؛ ۱۳. تاریخ تحولات سیاسی... جهان اسلام از سال ۲۲۷ هـ ق تا سقوط بغداد؛ ۱۴. تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام از قرن هفتم تا قرن دهم هجری؛ ۱۵. مبانی علم اقتصاد؛ ۱۶. تاریخ استعمار غرب و رشد سرمایه‌داری، ۱۷. اقتصاد سیاسی ۱۸. ریشه‌های تاریخی توسعه‌نیافتگی در ایران، ۱۹. تاریخ اندیشه‌های اقتصادی.							
--	--	--	--	--	--	--	--

جدول شماره ۲: واژگان و مفاهیم اجتماعی موجود در عنوان درس‌های دوره‌ی کارشناسی رشته‌ی تاریخ و فراوانی آن‌ها از آغاز تا امروز

مجموع	پس از انقلاب	قبل از انقلاب	۱۳۷۵ تاکنون	۱۳۶۳- ۱۳۷۵	۱۳۵۲- ۱۳۶۳	۱۳۴۲- ۱۳۵۲	۱۲۹۸- ۱۳۴۲	واژگان و مفاهیم اقتصادی موجود در عنوان درس- ها
۱	-	۱	-	-	-	-	۱	جغرافیای اقتصادی
۲	-	۲	-	-	۱	۱	-	فلسفه علوم انسانی و اجتماعی
۳	۱	۲	-	۱	۱	۱	-	تاریخ عقاید اقتصادی
۲	-	۲	-	-	۱	۱	-	سکه‌شناسی

۴	-	۴	-	-	۲	۲	-	سازمان‌های اجتماعی
۱۷	۱۵	۲	۱۵	۲	-	-	-	تاریخ تحولات اقتصادی
۳	۳	-	۱	۱	۱	-	-	سرمایه‌داری و امپریالیسم
۲	۲	-	۱	۱	-	-	-	استعمار غرب
۱	۱	-	-	۱	-	-	-	روابط سیاسی اقتصادی
۱	۱	-	۱	-	-	-	-	مبانی علم اقتصاد
۱	-	-	۱	-	-	-	-	اقتصاد سیاسی
۱	۱	-	۱	-	-	-	-	توسعه‌نیافتگی
۲		۲	-	-	۱	۱	-	تاریخ علوم
۱	۱	-	۱	-	-	-	-	اندیشه‌های اقتصادی
۱	-	۱	-	-	۱	-	-	نفوذ تمدن غربی در ایران
۶۰	۵۲	۸	۲۸	۲۴	۵	۳	۰	جمع

ارزیابی اجمالی برنامه نشانگر افزایش تدریجی توجه به مباحث اقتصادی در روند برنامه‌ریزی آموزشی رشته تاریخ از آغاز تاکنون است. چنان‌که در نخستین برنامه تنها یک درس با رویکرد اقتصادی وجود داشت اما در برنامه سال‌های ۱۳۵۲-۱۳۶۳ به حدود ۷ درس افزایش یافت. در برنامه مصوب انقلاب فرهنگی به ۶ درس کاهش یافت اما در برنامه ۱۳۷۵ یعنی برنامه جاری در مجموع، به ۱۹ درس رسید. البته این یک افزایش کمی بود و به معنای افزایش ماهوی رویکرد اقتصادی یا شکل‌گیری مطالعات میان‌رشته‌ای نبود، زیرا بسیاری از این عنوان‌ها بی‌مسما بودند و در عمل به مباحث اقتصادی پرداخته نمی‌شد مانند عنوان تکراری «تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ...» که در ابتدای عنوان ۱۴ درس تکرار شده بود و سایر درس‌های جدی‌تر اقتصادی به بخش درس‌های اختیاری منتقل شدند. بنابراین، رویکرد اقتصادی و مطالعات میان‌رشته‌ای مرتبط با اقتصاد در برنامه درسی کاهش معناداری یافت.

از منظر واژگان و مفاهیم مرتبط با اقتصاد نیز وضعیتی مشابه وجود داشت. در سال‌های پیش از انقلاب مفاهیمی چون جغرافیای اقتصادی، تاریخ عقاید اقتصادی، سکه‌شناسی، سازمان‌های اجتماعی، نفوذ تمدن غربی در عنوان درس‌ها به کار رفته بود که پس از انقلاب مفاهیمی چون «تاریخ عقاید اقتصادی» عنوان مشترک این دو دانش بود. در عوض بر واژگان ارزش‌مدارانه‌ای چون سرمایه‌داری، امپریالیسم، استعمار غرب، مجموعاً با ۵ بار تکرار نشانگر رویکرد ضدغربی در این برنامه بود.

روابط سیاسی و اقتصادی، جغرافیای اقتصادی، مبانی علم اقتصاد، اقتصاد سیاسی، توسعه‌نیافتگی، اندیشه‌های اقتصادی، نفوذ تمدن غربی در ایران هر یک با یک بار تکرار از کمترین فراوانی برخوردار و تاریخ تحولات سیاسی و اقتصادی و... با ۱۴ بار تکرار از بیشترین بسامد برخوردار بودند. به طور کلی در برنامه‌های پیش از انقلاب، مباحث مرتبط با اقتصاد با ۱۴ عنوان و پس از انقلاب با ۲۶ عنوان و مجموعاً ۴۰ عنوان نشانگر رویکردهای اقتصادی این برنامه‌هاست.

۶. نتیجه‌گیری

ضعف مطالعات تاریخ اقتصادی موجب شده است تاکنون تاریخ اقتصادی ایران نه نوشته شود و نه مورد توجه جدی و همه جانبه قرار گیرد به استثنای یک رشته کارهای پراکنده تاکنون تاریخ نهادها، جریان‌ها، کنش اقتصادی، سازمان‌ها، نظام مالی و پولی، سیاستهای اقتصادی ایران در دوره‌های مختلف، تشکیلات اقتصادی، معیشت مردم، اقتصاد سیاسی، تورم، بیکاری، درآمد، بازار کار و اشتغال، تجارت، کسب و کار، مبادله کالا و سرمایه، زندگی طبقات مختلف، اتاق‌های بازرگانی، شرکت‌های تجاری، بنگاه‌های صنعتی، و... کمتر بررسی عالمانه و حاصل مطالعات میان‌رشته‌ای اقتصاد و تاریخ قرار گرفته است.

ما هیچ مطالعه روشمندی اکنون در دانشگاه‌های ایران پیرامون کاربست نظریه‌های اقتصاد در مطالعات تاریخی سراغ نداریم. برخی از نظریه‌های اقتصادی که در سیاست کاربرد دارند پیرامون برخی جنبش‌های معاصر صورت گرفته است اما با این نگاه‌ها هرگز به سراغ تاریخ میانه ایران نرفته‌ایم. اکنون به این ظرفیت روش‌شناختی، روش‌های کلیومتریک (Cliometrics) (اتخاذ روش‌های کمی مبتنی بر داده‌های آماری و اطلاعات اقتصادی در تجزیه و تحلیل جریان‌های تاریخی) (ر.ک: نوذری، ۱۳۸۷: ۳۵۸-۳۶۶) و آنالی

نیاز داریم. همکاری‌های میان‌رشته‌ای، فرارشته‌ای و بین‌رشته‌ای تاریخ و اقتصاد می‌تواند در چند سطح مختلف صورت پذیرد که اینک به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

نخست، تردیدی نیست که دانش اقتصاد عرصه‌های متعددی به روی مطالعات تاریخی می‌گشاید. در این میان «تاریخ اقتصادی» می‌تواند به عنوان یک حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای از جایگاه ممتازی برخوردار است زیرا به مثابه حلقه واسط دو علم عمل می‌کند. نگاهی گذرا به مباحث دانش اقتصاد و افق‌های پیش‌روی آن، تاریخ‌پژوهان را با انبوهی از مسائل و موضوعات تازه روبه‌رو خواهد ساخت؛ مانند تقسیم کار، درآمد، درآمد ملی و سرانه، درآمد ناخالص ملی، سرمایه، امنیت سرمایه، گردش سرمایه، محصول ملی، اقتصاد ملی، مقررات اقتصادی، روابط اقتصادی، عرضه و تقاضا، مالیات‌ها، انباشت سرمایه، پول، ارز، بیمه، بانک، صرافی، قیمت، تورم، رکود، سپرده‌های بانکی، مالکیت، فقر، نابرابری، تبعیض، ثروت، نهادهای مالی و پولی، اشتغال، بی‌کاری، هزینه تولید، بهره‌وری، بنگاه معاملات، اتحادیه‌ها و اصناف، اجاره‌ها، دستمزدها، بهره، سود، سهام، قرضه، تحریک بازار، سفته، چک، بورس، تهاجر، تعرفه، گمرکات، رشد اقتصادی، ثبات اقتصادی، توسعه اقتصادی، مصرف، ارزش پول ملی، انحصار اقتصادی، رقابت اقتصادی، توزیع درآمدها، بهره مالکانه، اختراعات، مطلوبیت، کمپایی، صندوق ملی، خرید، قدرت خرید، سهمیه‌بندی، بودجه، کیفیت، بهره‌وری، بازدهی، صادرات و واردات و دهها مساله خرد و کلان دیگر.

دوم، سطح دیگر این همکاری‌ها استفاده از نظریه‌ها و تئوری‌های اقتصادی برای تحلیل تاریخ اقتصادی گذشته است. منظور از این تئوری‌ها آن رویکردهای خاص و تخصصی دانش اقتصاد نیست بلکه آن دسته از نظریه‌های مرتبط به حیات اجتماعی و اقتصادی است که می‌تواند در مطالعات تاریخی به کار رود. مانند تئوری‌های عرضه و تقاضا، تولید، صادرات، مالیات، رشد، و...

سوم، تاریخ اندیشه‌ها و عقاید اقتصادی یکی دیگر از این عرصه‌های مطالعات میان-رشته‌ای است که ورود به آن مستلزم تسلط کافی بر دو دانش تاریخ و اقتصاد است. خوشبختانه در برنامه‌های پیشین رشته تاریخ این موضوع به عنوان یک درس اجباری و مستقل تعریف شده بود که بعدها اختیاری شد و سرانجام حذف گردید. با خالی شدن این صحنه‌ها از نقش‌آفرینی مورخان، این موضوع یکسره به اقتصاددانان سپرده شد. درحالی‌که دکتر نهاوندی یکی از مترجمان تاریخ عقاید اقتصادی در ایران می‌نویسد، تاریخ تفکر اقتصادی را نمی‌توان جدا و مستقل از اوضاع و شرایط اجتماعی و تاریخی بررسی کرد.

نظریه‌ها و مکتب‌ها از یک سو و مقتضیات شرایط زندگی و فعالیت‌های اقتصادی از دیگر سو با یکدیگر تعامل دارند. هر متفکر تحت تأثیر محیط و شرایط روزگار خویش است و چه بخواهد و چه نخواهد از آن تأثیر می‌پذیرد (لاژوژی، ۱۳۵۳: ۲؛ نهاوندی، ۱۳۵۲: ۱). زیرا هیچ اندیشه‌ای یکباره و در خلاء پدید نمی‌آید بلکه ملهم از شرایط محیطی، تاریخی، اقتصادی و اجتماعی است. جان هیکس از دیگر مورخان اندیشه اقتصادی می‌نویسد برای نگارش کتاب خود، ناگزیر محضر برخی از مورخان اقتصادی بزرگ را درک کرده است به اعتقاد وی نوشتن تاریخ اقتصاد تنها در کنار انواع دیگر دانش تاریخ و فعالیت‌های اقتصادی ممکن بوده است.

چهارم، از دیگر عرصه‌های مشترک شکل‌گیری گفت‌وگوهای صاحب‌نظران دو رشته برای بنیان‌گذاری روش‌های مطالعات میان‌رشته‌ای است که در تعامل نزدیک‌تر باید بر سر این روش‌ها که حاصل تلفیق و تعامل دو رشته است پدید آید تا تحقیقات براساس آن صورت پذیرد مانند روش‌های کمی، آماری و کلیومتریکی.

پنجم، شکل‌گیری رشته‌های مستقل تاریخ اقتصادی در دوره‌های ارشد و دکتری، برگزاری دوره‌های مشترک میان دو رشته تاریخ و اقتصاد، تأسیس انجمن‌های مشترک، مجله‌های مشترک، تبادل استاد و دانشجو و سایر همکاری‌های نهادی و بین‌گروهی.

ششم، یکی از راه‌های بسط مطالعات میان‌رشته‌ای استفاده از تجربه پیشین رشته تاریخ است که به موجب آن امکان آموزش دست‌کم سی واحد از درس‌های مهم هر یک از رشته‌های معین مانند تاریخ، جغرافیا، جامعه‌شناسی علوم سیاسی و... برای دانشجویان این رشته فراهم می‌آید. اکنون می‌توان استفاده از این ظرفیت را برای دانشجویان علاقمند دو رشته تدارک دید. به این معنا که دانشجویان اقتصاد و تاریخ بتوانند دست‌کم ۳۰ واحد درسی از رشته‌های یکدیگر بگذرانند تا از رهگذر آن ظرفیتی بالقوه برای آموزش مسائل اصلی تاریخ برای دانشجویان اقتصاد و مسائل اصلی اقتصاد برای دانشجویان اقتصاد پدید آید و راه را برای مطالعات تاریخ اقتصادی از دو پایگاه متفاوت در دوره‌های ارشد و دکتری هموار شود.

کتاب‌نامه

بحرانی پور، علی. "نگاهی به تاریخ‌نگاری اقتصادی در جهان و ایران". روزنامه دنیای اقتصاد. شماره ۹۱۷/۱. ۲۷۴۱

۲۹۸ پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی/اقتصادی، سال هشتم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

براون، ویوین. پیدایش اقتصاد مدرن. ترجمه حسن مرتضوی. تهران: نشر آگه، ۱۳۸۶
برودل، فرنان. سرمایه‌داری و حیات مادی ۱۴۰۰-۱۸۰۰. ترجمه بهزاد باشی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۲
برومند، صفورا. "آسیب شناسی پژوهش‌های سکه شناختی در ایران". فصلنامه تاریخ نگری و تاریخ نگاری، دانشگاه الزهراء، سال ۲۲. شماره ۱۰، ۱۳۹۱
تفضلی، فریدون. تاریخ عقاید اقتصادی از افلاطون تا دوره معاصر. چاپ چهاردهم. تهران: نشر نی، ۱۳۹۳

جعفرزاده، بهروز؛ اکبری فرد، حسین. اقتصاد پول و بانک. چاپ دوم. تهران: نور علم، ۱۳۹۲
جعفری دهقی، محمود. "نقش سکه شناسی در بازشناسی تاریخ و فرهنگ ایران". کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. شماره ۱۷۸، اسفند ۱۳۹۱

راهنمای دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی ۱۳۳۱، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۱
راهنمای دانشکده ادبیات: سال تحصیلی ۴۷-۱۳۴۶، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷
راهنمای دانشکده ادبیات: سال تحصیلی ۴۷-۱۳۴۶، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷
راهنمای دانشگاه تهران ۱۳۱۵-۱۳۱۴، تهران، مطبعه‌ی روشنائی، ۱۳۱۵
راهنمای دانشگاه تهران، بخش پنجم، دانشکده‌های علوم و ادبیات و دانشسرای عالی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۱۸

راهنمای دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۱۳۴۴-۱۳۴۵، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۴
راهنمای دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۱۳۴۵-۱۳۴۶، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۵
رزاقی، ابراهیم. آشنایی با اقتصاد ایران. تهران: نشر نی، ۱۳۷۶
رضایی باغ‌بیدی، حسن. "پیدایی و آغاز ضرب سکه در ایران". کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. شماره ۱۷۸، اسفند ۱۳۹۱

سعیدی، عباس؛ باقری، احمد. پول. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۵
سیف، احمد. استبداد، مساله مالکیت و انباشت سرمایه در ایران. تهران، رسانش، ۱۳۸۰
عیسوی، چارلز، تاریخ اقتصادی ایران (قاجاریه ۱۳۳۲-۱۲۱۵ هـ.ق)، ترجمه یعقوب آژند، تهران، گستره، ۱۳۶۲.

کاتوزیان، محمدعلی، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطه تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه کامبیز عزیزی و محمدرضا نفیسی، تهران، مرکز، ۱۳۷۴.

لاژوژی، ژوزف. عقاید اقتصادی. ترجمه ابراهیم مدرسی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۳
لوید، کریستوفر. "تبیین تاریخ ساختارهای اقتصادی و اجتماعی". ترجمه حسینعلی نودری. تاریخ معاصر ایران. سال ۱. ش ۳. پاییز ۱۳۷۶

مارکس، کارل. سرمایه/نقد اقتصاد سیاسی. ج ۲. ترجمه حسن مرتضوی. تهران، لاهیتا، ۱۳۹۳.

رابطه دانش اقتصاد با دانش تاریخ در برنامه آموزشی دوره ... ۲۹۹

ملک زاده بیانی، ملکه. تاریخ سکه از قدیم ترین ازمینه تا دوره ساسانیان. (جلد اول و دوم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰

نوذری، حسینعلی. فلسفه تاریخ، روش شناسی و تاریخنگاری. چاپ دوم. تهران، طرح نو. ۱۳۸۷
نهادی، هوشنگ. تاریخ مختصر عقاید اقتصادی. تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۲
هالیدی، فرد، دیکتاتور و توسعه سرمایه‌داری در ایران، ترجمه فضل‌الله نیک‌آیین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸.

هیکس، جان. نظریه‌ای در باره تاریخ اقتصاد. ترجمه فرهنگ مهر، تهران، دانشگاه پهلوی، ۲۵۳۵

Juliet Gardiner, what is history today, Humanities press international, U.S.A, 1988.